

روحانیون عرب-ایرانی

در نقش ستون پنجم (ص 17)

جبهه وسیع میهنی

در افغانستان (ص 21)

جوانشیر

آنکه غبار از

چهره سیاسی

فردوسی روید

(ص 13)

شش دهه خیانت

ملی با شعار

"مرگ بر توده‌ای"

(ص 33)

یگانه امکان

مردمی شدن

انتخابات شوراها

(ص 40)

ناصر واعظ طبسی

دادگاه من (ص 5)

محاكمه رهبر اس

این شکر از زهر

تلخ‌تر است!

(ص 11)

گریه کن

جنگل سبز

(ص 31)

کنگره چین

(ص 27)

24 سال پس از انقلاب مردمی 57 به لحظات قطعی تعیین سرنوشت حاکمیت در جمهوری اسلامی رسیده ایم

3 گزینه‌ای که در برابر

جنبش و توده‌ایها قرار دارد

در آستانه بیست و چهارمین سالگرد انقلابی که میلیون‌ها ایرانی با امید دستیابی به آزادی، بهروزی، عدالت و بازگرداندن استقلال ملی به کشور در آن شرکت کردند، آن تصویر واقعی و انکارناپذیری که از ایران در برابر ما قرار دارد و تمامی نیروهای میهن دوست داخل و خارج کشور بر سر آن توافق دارند چنین است:

200 هزار کودک و نوجوان کشور، بدون هیچ سرپناهی در خیابان‌ها سرگردانند و در کنار یک میلیون و 700 هزار زن بی‌خانمان شب را به صبح می‌رسانند. تنها در تهران و به اعتراف شهرداری آن شب‌ها 20 هزار جوان و نوجوان در پارک‌های شهر می‌خوابند و در کارخانه تبدیل زباله‌های تهران به کود در کهریزک، سالی 168 جنین و کودک نارس در زباله‌ها پیدا می‌شود. رقم شرم آور 300 هزار زن خودفروش که در تاریخ ایران سابقه نداشته از دل این یک میلیون و 900 هزار زن و کودک سرگردان بیرون آمده است.

شمار بیکاران به 3 میلیون و 200 هزار نفر رسیده است و این درحالی است که هر سال یک میلیون و 800 هزار نفر بر این رقم افزوده می‌شود و همگان بر این عقیده‌اند که در سال‌های آینده این شمار به 7 تا 8 میلیون خواهد رسید. زندان‌های ایران چنان مملو از زندانی است که رئیس قوه قضائیه رسماً از دادگاه‌ها خواسته است حکم زندان دیگر صادر نکنند.

شمار معتادان به مواد مخدر بیش از 5 میلیون تخمین زده می‌شود و مقامات رسمی کشور 2 میلیون آن را رسماً پذیرفته‌اند. شصت درصد جنایاتی که به زندان ختم می‌شود به این اعتیاد وسیع و رو به گسترش وابسته است.

90 درصد ثروت کشور از راه غارت در دست یک هزار فامیل وابسته به سرمایه‌داران بزرگ تجاری و روحانیون متحد آنها متمرکز شده و از دل همین 90 درصد ثروت 85 درصد قدرت سیاسی حاکمیتی در جمهوری اسلامی سر برآورده که با تبدیل بسیج به ابزار سرکوب و قوه قضائیه به فرمانداری نظامی-قضائی در برابر مردم ایستاده است. مردمی که می‌خواهند از طریق اصلاحات و پرهیز از رفتن به سوی جنگ داخلی بر سرنوشت خویش حاکم شده و از آخرین امکانات ممکن برای نجات انقلاب سال 57 استفاده کنند.

همین سرمایه‌داری بنادر جنوب کشور را به بندرگاه کالای قاچاق تبدیل کرده و از دل نابودی جنگل و معدن و تاراج نفت ایران پول بیرون می‌آورد. یکی سلطان کج و دیگری سلطان سنگ، و یکی سلطان زعفران و آن دیگری سلطان زیره و گاز است و دست در دست هم صنعت و تولید کشور را از صنایع پارچه بافی و نساجی گرفته تا تولید نیشکر کشور نابود کرده‌اند. (بقیه را در ص 2 بخوانید)